

طوق ازدواج بر گردن جوانان/ از چراغ خاموش خانه بخت تا بروکراسی والدین

این روزها رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون و دنیای مجازی و مکتوب، در تفاهمی ناخواسته همه پیرامون موضوع ازدواج می‌گردند؛ بهانه این امر هم هفته ازدواج است، ازدواج آسان!



این روزها رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون و دنیای مجازی و مکتوب، در تفاهمی ناخواسته همه پیرامون موضوع ازدواج می‌گردند؛ بهانه این امر هم هفته ازدواج است، ازدواج آسان!

امروز عصر زندگی مدرن است، عصر دوییدن برای رسیدن به امکاناتی که ارزشش بالاتر از آرامش است، عصر آدم‌های جدید و خواسته‌های جدیدتر... و در این میان تغییر در الگوی زندگی و به ویژه شروع زندگی، از دیگر مصادیق گذران روزگار متمایزتر شده است. در حالی که در روزهایی نه چندان دور، همین اتفاق مهم‌ترین حادثه زندگی حداقل دو خانواده و مسئله‌ای برای ایجاد شادمانی در تعداد زیادی از وابستگان آنها می‌شد، امروز حتی فکر ازدواج هم یادآور کوهی از مسئولیت‌های ریز و درشت و هزینه‌های بی‌پایان و خاطرات عجیب و گاه غم انگیزی است که بارها شنیده و دیده‌ایم. نگاهی به سال‌های گذشته و زندگی بزرگترهای فامیل، نشان می‌دهد زمان زیادی از روزگاری که ازدواج امری عادی و لازم برای تکمیل شخصیت و ارتقای اجتماعی افراد بود نمی‌گذرد، با این وجود در همین سال‌های کوتاه شاهد تغییرات زیادی در چگونگی و زمان ورود جوانان به جرگه متاهلین و همچنین بروز مشکلات فراوان در زندگی‌های نوپا و ثبت جدایی‌های بسیار در سال‌های اولیه زندگی‌های بسیاری هستیم. اما چرا!...؟ *******خانواده‌هایمان رضایت نمی‌دهند بدون برگزاری مراسم و تالار عروسی به خانه خودمان** برویملوی ویتترین یک آینه شمعدان فروشی در بازار تبریز، زوج جوانی مشغول نگاه کردن سرسری نمونه موجود هستند. امیر و راحله امیدوارند بتوانند در ماه‌های آینده پس از 4 سال طی دوران نامزدی و عقد، زندگی مشترکشان را آغاز کنند. به همین علت مدتی است در حال تهیه لوازم مورد نیاز و خرید ادوات جشن عروسی‌شان هستند. عروس 29 ساله، مدرک کارشناسی ارشد فیزیک خود را به تازگی گرفته و می‌گوید خیلی به دنبال کار نبوده و همان تلاش محدود برای پیدا کردن کار هم با شکست مواجه شده؛ به همین علت نمی‌خواهد فشار مالی زیادی به همسرش بباید. می‌گوید خانواده‌هایمان رضایت نمی‌دهند بدون برگزاری مراسم و تالار عروسی به خانه خودمان برویم در نتیجه الان نمی‌دانیم باید کوه هزینه‌های روبرویمان را چگونه جابه‌جا کنیم. امیر کارمند قراردادی یکی از ادارات دولتی شهر است، حقوقش در حد معمولی است و پس‌انداز زیادی هم ندارد. می‌گوید همان پس‌انداز محدود را برای رهن و اجاره خانه کنار گذاشته‌ایم اما عروسی کلی مخارج دارد. او هزینه‌های اصلی مراسم را شامل سرویس طلا، حلقه، تالار عروسی، آرایشگاه، عکاسی و فیلمبرداری، سیستم صوتی و ارکستر، تزئین ماشین و دسته گل می‌داند و می‌افزاید که هزینه‌های کوچک‌تری مانند حضور عاقد برای تکمیل فیلم، کارت دعوت و یادبودها را هم باید باید حساب کرد و در شرایط خیلی معمولی همین‌ها بالای 60 میلیون تمام می‌شود. راحله می‌گوید در یک اقدام محرمانه با همسرش تصمیم گرفته‌اند به جای سرویس طلا، سرویس نقره بگیرند تا چندین میلیون تومان صرفه‌جویی از این اقدام را در جاهای دیگر هزینه کنند. می‌گوید چند سال دیگر که دست و بالمان بازتر شد، سرویس طلا هم می‌خریم. امیر 33 ساله این خانواده نوپا می‌گوید اگر اصرار خانواده‌ها نبود و همه به چشم و هم چشمی فکر نمی‌کردند، زندگی ما بسیار راحت‌تر آغاز می‌شد و می‌توانستیم روزهای خوبی بدون نگرانی از پرداخت دیون خود داشته باشیم، اما نشد که نشد و امروز باید برای تمام کارها و خریدهایمان کلی فکر کنیم. عروس جوان می‌گوید همسرش را درک می‌کند و تا حد امکان تلاش کرده زندگی‌شان را ساده آغاز کند؛ لباس عروسی را از یکی از اقوام امانت گرفته، یادبودها را خودش ساخته، سفره عقد را هم با کمک یکی از دوستانش سر و سامان داده اما هنوز کلی هزینه هست. راحله و امیر برای دیدن دیگر مغازه‌های بازار دور می‌شوند و با چهره‌هایی که خیلی رنگی از شادی ندارد، به دنبال خرید لوازم شادترین روز زندگی‌شان می‌روند. **وقتی پدر و مادرها سن ازدواج را بالا می‌برند** برخی مشکلات فرهنگی به قدری در جامعه ریشه دوانده که برای از میان برداشتن آنها نیاز به تلاش همه جانبه است. کم نیستند والدینی که تاکید دارند جوانان تا صاحب خانه، خودرو یا حتی ویلا نشده‌اند نباید برای ازدواج اقدام کنند. این پدر و مادرها تصور می‌کنند صلاح فرزندشان در این است که ابتدای زندگی تمام این امکانات را در اختیار داشته باشند، اما غافلند که سختگیری آنها فقط سبب بالا رفتن سن ازدواج می‌شود، زیرا توجه بیش از حد به مادیات، سبب غفلت از فلسفه اصلی تشکیل خانواده می‌شود. البته نباید فراموش کرد که برای شروع زندگی مشترک باید از حداقل‌ها برخوردار بود، اما این که بخواهیم زوج‌های جوان در ابتدای زندگی صاحب خانه، ویلا و اتومبیل آخرین مدل باشند، چیزی نیست جز سنگ انداختن بر سر راه ازدواج جوانان. علاوه بر این، برخی والدین با در نظر گرفتن مهریه‌های سنگین و برگزاری مراسم پرهزینه به مشکلات جوانان اضافه می‌کنند. این در حالی است که اگر خانواده‌ها اندکی واقع بین باشند و از جوانان بخواهند به اندازه گلیمشان پای خود را دراز کنند، بسیاری از مشکلاتی که زوجین در ابتدای زندگی با آن رو به رو می‌شوند، حل و فصل می‌شود، زیرا با بررسی پرونده برخی زوجین که پایشان در چند سال اول زندگی مشترک به دادگاه خانواده باز شده، می‌توان به این نتیجه رسید که زیر بار قرض رفتن جوانان در ابتدای زندگی سبب می‌شود نتوانند لحظات زیبا و خاطره انگیزی را در ابتدای زندگی خود تجربه کنند. بنابراین والدین لازم است از شرط‌هایی مانند مهریه سنگین و برگزاری مراسم مجلل صرف نظر و به جوانان توصیه کنند ضمن برگزاری مراسم ساده، زندگی مشترک خود را با دغدغه کمتر آغاز کنند. *****مشکلات و مسائل مالی و عدم تطبیق فرهنگی و خواسته‌های نامعقول خانواده‌ها بخشی از مشکلات پیش روی ازدواج‌های آگاهانه است و بخش دیگر به دقت و تعقل خود جوانان و البته خانواده‌های آنان مربوط می‌شود. مسئله‌ای که در پایداری ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کند و می‌تواند موجبات رشد صعودی مدت زمان زندگی مشترک زوج‌ها به خصوص در میان نسل جوان را فراهم آورد. سردفتر برگزیده جشنواره ملی ازدواج و خانواده جوان حرف‌های زیادی در خصوص ازدواج آگاهانه و مبتنی بر بررسی و شناخت دارد و می‌گوید افرادی که با دقت فراوان و شناخت مشترکات نسبت به ازدواج اقدام می‌کنند، زندگی‌های پایدارتری دارند. نعیم راثی‌زاده در گفت‌وگویی با خبرنگار فارس در تبریز در این رابطه ازدواج‌های جامعه امروز را به سه دسته تقسیم کرده و می‌گوید: دسته اول، ازدواج‌هایی که براساس مطالعه، تحقیق، تدبیر و آگاهانه و خلاقانه انجام می‌شود. در این وصلت‌ها، دختر و پسر با تفکر خلاق و بررسی جوانب مختلف، همدیگر را انتخاب کرده‌اند. اینها از هر نظر ازدواج‌های موفق دارند، مهریه‌هایشان متعادل است، از جهت اخلاقی و تناسب خانوادگی هم سطح هستند و در همان جلسه عقد می‌توان این را فهمید. اما متأسفانه تعداد این ازدواج‌ها کم است. این استاد دانشگاه اردبیلی دسته بعدی را به عنوان ازدواج‌های پرخطر معرفی می‌کند و می‌افزاید: من به دسته بعدی می‌گویم ازدواج‌های پرخطر. اینها واقعا مشکل دارند، به همین خاطر، هم قبل از عقد تذکر می‌دهم و هم حین عقد. اما متأسفانه گوش نمی‌کنند. در این ازدواج‌ها، دختر و پسر با روش‌های غلط مثل دوستی‌های خیابانی و اینترنتی با هم آشنا شده و حتی مقابل مخالفت خانواده‌هایشان ایستاده‌اند. اجبار این خانواده‌ها و ناراضی‌پن‌پن‌شان را به ازدواج باز هم در همان جلسه عقد می‌توان فهمید. متأسفانه این ازدواج‌ها رو به افزایش است و هر سال که می‌گذرد این ازدواج‌ها بیشتر می‌شود. راثی‌زاده که از 10 سال پیش به فعالیت در زمینه ازدواج می‌پردازد، می‌گوید: اکثریت ازدواج‌های امروز، جزو دسته سوم هستند؛ یعنی نه پرخطر هستند و نه آگاهانه و اصولی. به اینها ازدواج‌های معمولی می‌گویم. اینها ازدواج‌های شانس و احتمالی هستند، یعنی به صورت اتفاقی آشنایی و سپس خواستگاری انجام می‌شود؛ نه تحقیق و بررسی خاصی انجام شده و نه سنت‌شکنی صورت گرفته و کسی رو درروی کسی ایستاده. الان بیشتر ازدواج‌ها در این گروه قرار می‌گیرد و ممکن است آینده این ازدواج‌ها هم خوب نباشد، چون یک اصل مهم که مشاوره برای ازدواج است در این گروه انجام نشده است. وی مشاوره قبل از ازدواج را برای مهم برای تشکیل زندگی در شرایط امروز می‌داند و بر لزوم توجه به آن و همگانی‌تر شدن آن تاکید می‌کند. با این حال هنوز هم این مسئله آنقدرها که باید و شاید جدی گرفته نمی‌شود و نتیجه آن، انتشار آمارهای نگران کننده و بسیار جدی در خصوص بروز طلاق در جامعه و نسل جوان و به ویژه در سال‌های ابتدایی زندگی می‌شود. *****در میان این همه صحبت از ازدواج و تشکیل زندگی، آمار طلاق اما پیداد می‌کند. رشد انفجاری آمار منتشر شده از نسبت ازدواج و طلاق در استان آذربایجان شرقی همچون سایر استان‌های کشور، زنگ خطری برای تمام متولیان و دست اندرکاران این حوزه است تا با بررسی وضعیت از بروز آسیب‌های اجتماعی در بلند مدت جلوگیری کنند. این آمارها صدای مسئولان مختلف را هم در آورده است. به شکلی که مدیرکل امور اجتماعی استانداری آذربایجان شرقی هم

با اشاره به افزایش 9.8 درصدی آمار طلاق استان در مقایسه با 5 ماهه سال گذشته، گفته: آمار طلاق استان آزار دهنده است و باید مسئولان امر اهتمام بیشتری به این موضوع مبذول داشته و مسائل مربوط به ایجاد اشتغال و مقابله با حجم‌های فرهنگی را رفع و رجوع کنند. حسن استوارآذر، با تأکید بر لزوم بررسی بیشتر موضوع از آمار نگران کننده در این زمینه خبر داده و تصریح کرده: آمار ازدواج در استان در 5 ماهه امسال نسبت به گذشته 7.1 درصد کاهش یافته که این آمارهای طلاق و ازدواج هشدار جدی در خصوص افزایش آسیب‌های اجتماعی در استان است. وی همچنین خواهان ورود جدی مسئولان ذیربط این موضوع شده و گفته: همه باید تلاش کنیم با از میان برداشتن موانع ازدواج و حل مسائل مربوط به اشتغال جوانان، زمینه‌های لازم در پایداری و دوام زندگی ایشان ایجاد شود. **کمترین ازدواج در پنج سال گذشته، امسال در آذربایجان شرقی رخ داده** استمدیرکل ثبت احوال آذربایجان شرقی با بیان اینکه نرخ ولادت استان 18.8 درصد است و از این حیث در جایگاه 21 کشور قرار داریم که پایین‌تر از متوسط کشوری (19.7 درصد) است، گفت: آذربایجان شرقی در تعداد فوت ثبت شده با نرخ 5.7 درصد بالاتر از میانگین کشوری قرار دارد. علی جعفری‌آذر ظهر اظهار داشت: با توجه به ترکیب سنی جمعیتی استان باید بالاترین میزان ازدواج در امسال رخ می‌داد که با ثبت 40 هزار و 731 مورد ازدواج کمترین میزان ثبت ازدواج را در پنج سال گذشته در استان شاهد بودیم. وی با بیان اینکه نرخ ولادت استان 18.8 درصد است و از این حیث در جایگاه 21 کشور قرار داریم که پایین‌تر از متوسط کشوری (19.7 درصد) است؛ افزود: میزان باروری و جانمایی استان در حال حاضر 1.7 درصد بوده و بالاترین نرخ ولادت استان مربوط به شهرستان هریس و کمترین میزان نیز مربوط به شهرستان اسکو است. مدیرکل ثبت احوال آذربایجان شرقی با بیان اینکه 99.4 درصد فوتی‌ها را در مهلت قانونی به ثبت رسانده‌ایم؛ گفت: آذربایجان شرقی در تعداد فوت ثبت شده با نرخ 5.7 درصد بالاتر از میانگین کشوری قرار دارد و در این میان چارویماق و شبستر به ترتیب کمترین و بیشترین نرخ فوت استان را به خود اختصاص داده‌اند. جعفری‌آذر ادامه داد: نرخ ازدواج ثبت شده آذربایجان شرقی با 10.5 درصد بالاتر از میانگین کشوری است و ملکان بالاترین و هریس پایین‌ترین نرخ را سال گذشته ثبت کرده است. مدیرکل ثبت احوال آذربایجان شرقی نرخ طلاق استان را 2.1 درصد و برابر با میانگین کشوری دانست و اضافه کرد: بستان‌آباد بیشترین و ورزقان کمترین میزان طلاق ثبت شده در استان را به خود اختصاص داده‌اند. **ثبت 3 هزار و 272 طلاق در 5 ماهه امسال در آذربایجان شرقی** وی خاطرنشان کرد: کل طلاق ثبت شده در استان در 5 ماهه سال جاری 3 هزار و 272 مورد بوده که نسبت به 5 ماهه سال گذشته کاهش 0.9 درصدی را نشان می‌دهد؛ ضمن اینکه 80 درصد طلاق‌ها در محیط شهری و 20 درصد هم در محیط روستایی بوده است. تغییر فضای زندگی مردم و ویژگی‌های زندگی شهروندان ایران به خصوص در شهرهای بزرگ هم یکی از دلایل تعارض در خصوص ازدواج محسوب می‌شود. رئیس انجمن جامعه شناسی ایران در این باره گفته است: در گذشته دایره ارتباطات خویشاوندی، فامیلی و همسایگی خیلی بیشتر بود و حتی ساختار اجتماعی محله‌ها امکان ازدواج را فراهم می‌آورد، اما حالا شبکه‌های فامیلی، دوستی‌های خانوادگی و همسایگی کوچک‌تر شده است. از سوی دیگر، امید اجتماعی و امید به آینده در بین بسیاری از جوانان کاهش پیدا کرده است. به همین دلیل، خیلی از جوانان ترجیح می‌دهند در وضعیتی که آینده باثباتی برای خود متصور نیستند، وارد تعهدات اجتماعی جدید نشوند؛ آن هم تعهدات خانوادگی امروز که هم از جنبه مالی و هم از جنبه غیرمالی، سنگین‌تر شده است. به گفته دکتر محمدامین قانع‌راد این اتفاق باعث شده ازدواج که قبلاً مایه آرامش بود، حالا برای خیلی از جوانان، تبدیل به انتخاب یک ریسک شود. نباید فراموش کرد که جاذبه فرهنگی ازدواج هم کاهش پیدا کرده و ما در مرحله گذار از شرایط پدرسالارانه به جامعه‌ای مدنی‌تر هستیم. وی در گفتگویی تأکید کرده که امروزه، دختر نگران است که آزادی و حقوقش با ازدواج پایمال شود و پسر هم از انتظارات بالای همسر در زندگی مشترک واهمه دارد. در شرایط بی‌هنجاری فعلی که این دوره گذار به وجود آورده، مناسبات جدید خانواده‌ها تعریف نشده است. و در نهایت به گفته قانع‌راد گرچه این شرایط معلق گونه تداوم نخواهد داشت، اما خود جامعه باید هنجارهای نو و کارآمد را برای زندگی‌های امروزی تعریف کند تا هم میل ازدواج به روال طبیعی‌اش برگردد و هم آمار طلاق کاهش پیدا کند. **مسئله‌ای به نام خودمشغولیدر کشور** نیاز به کار پایه‌ای برای حل مشکلات حوزه ازدواج احساس می‌شود، اما باید یادآور شد برخی مسئولان به اجرای کارهای نمایشی بیشتر تمایل دارند. در نظر گرفتن هفته ازدواج و تعیین نام برای روزها یکی از این کارهای نمایشی است که در برابر مشکلات جوانان به چشم نمی‌آید. انتخاب نام برای روز ازدواج را باید خودمشغولی برخی مسئولان بوده آنها خودشان را سرکار می‌گذارند چون این برنامه‌ها تأثیری در حل مشکلات بیرونی و درونی این سازمان‌ها ندارد. علاوه بر این، چنین مراسمی در محیط‌های درونی خود سازمان‌ها نیز بازخورد ندارد، چه برسد به جامعه. بسیاری از کارشناسان معتقدند، برای بهبود شرایط جامعه باید روابط اجتماعی به شکل سابق برگردد، اما به گونه‌ای جدید دنبال شود. در گذشته افراد یک محله دلسوز و یار یکدیگر بودند و روابط عاطفی خوبی بین آنها جریان داشت. برگشت به این دوران نیاز به برنامه فرهنگی جامع دارد؛ برنامه‌ای که مسئولان باید با مطالعه و تحقیق کامل آن را اجرایی کنند، زیرا چنانچه چنین برنامه‌ای در کشور اجرایی نشود، نمی‌توان زندگی مشترک زیادی را نجات داد. *****ازدواج آسان و به هنگام و معقول، شاید آرزوی هر یک جوانان کشور و استان‌مان باشد که تاکنون نتوانسته‌اند زمینه‌های لازم برای ساختن آینده‌ای مشترک را رقم بزنند. مسئله‌ای که برای حل آن نیازمند خواست مردم و تغییر دیدگاه‌های سنتی و چشم و همکاری مسئولان در ایجاد زمینه‌های لازم برای اشتغال و کسب درآمد مناسب و همچنین دقت نظر خود نسل جوان در انتخاب‌های درست و آگاهانه است. آرزویی که وقوع آن دور از دسترس نیست.....**گزارش از فرینوش اکبرزاده**